

نقدی بر

دستنامه قواعد فهرست‌نویسی مواد شنیداری

است. در چنین وضعی، سازمان‌هایی که پیشینه طولانی کار با این منابع را دارند، می‌توانند نقش مهمی در تولید و گسترش دانش مکتوب این حوزه داشته باشند. در ایران صدا و سیما از مهم‌ترین سازمان‌هایی است، که با این منابع سرکار دارد. با وجود اینکه، مجموعه منابع دیداری - شنیداری غنی، فراگیر و بعضاً بی‌نظیر صدا و سیما، آرشیوهای دیداری شنیداری آن را در جایگاهی ملی قرار داده است؛ ولی در اصل، این سازمان از این منابع تنها در عمل به مأموریت اصلی خویش (برنامه‌سازی و پخش) بهره جسته است. صدا و سیما، مأموریت گردآوری، نگهداری و دسترس‌پذیر کردن عمومی و در سطح ملی این منابع را ندارد و متولی ملی این منابع نیست. بر همین اساس، آرشیوهای دیداری - شنیداری آن در راستای مأموریت اصلی سازمان، انجام وظیفه کرده و گام مهمی برای گردآوری و نشر استانداردها و رویه‌ها، برای بهره‌برداری دیگر سازمان‌ها و نهادهای دارنده مجموعه‌های دیداری - شنیداری انجام نداده است. بنابر این با چاپ کتاب حاضر باید امیدوار بود که تجربه‌ها و اندوخته‌های کارکنان و کارشناسان آرشیو سازمان صدا و سیما و اصول کاری تثبیت شده‌ای که معمولاً در دسترس افراد عادی قرار ندارند، به صورت مکتوب در اختیار دیگران نیز قرار گیرند.

از مقدمه کتاب حاضر استنباط می‌شود که بیشتر برای استفاده کارمندان آرشیو سازمان صدا و سیما تهیه شده است: «دستنامه فهرست‌نویسی مواد شنیداری



● وحید طهرانی پور^۱
کارشناس ارشد علوم کتابداری و
اطلاع‌رسانی پزشکی

■ دستنامه قواعد فهرست‌نویسی مواد شنیداری. تهیه شده در آرشیو و کتابخانه معاونت صدا، دفتر پژوهش‌های رادیو. تهران: طرح آینده، ۸۳.۱۳۸۵. ص. شابک: ۹۶۴-۸۸۲۸-۱۷-۲.

آرشیو منابع دیداری - شنیداری در ایران متولی ملی ندارد و مباحث موضوعی آن در رشته‌های خویشاوندش، همچون کتابداری و اطلاع‌رسانی و آرشیوداری نیز عموماً مورد غفلت واقع شده است؛ و به بسیاری از مباحث آن یا اصلاً توجهی نشده و یا نگاهی اجمالی و ناقص شده



آرشیو منابع دیداری -
شنیداری در ایران متولی
ملی ندارد و مباحث
موضوعی آن در رشته‌های
خویشاوندش، همچون
کتابداری و اطلاع‌رسانی و
آرشیواری نیز عموماً مورد
غفلت واقع شده است

رده‌بندی منابع شنیداری
در واقع دو عنوان «منابع اطلاعات» و «انواع
تحقیق»، عنوان بخش نیستند و معلوم نیست چرا این
دو عنوان فرعی در فهرست کتاب گنجانده شده‌اند، ولی
دیگر عنوان‌های فرعی نیامده‌اند. افزون بر اینکه برخی
از عنوان‌های فرعی کتاب، دارای شماره (برای نمونه
۱-۲-۱- یادداشت) و برخی فاقد شماره هستند (برای
نمونه رده‌بندی روسو در صفحه ۷۷).

همان‌گونه که مطرح شد؛ «دستنامه»، مرجعی
آماده حاوی «فشرده مطالب» است؛ اما نه صفحه‌بندی
کتاب حاضر این ویژگی را دارد و نه مثال‌های ارائه
شده. قسمت پایین شماری از صفحه‌ها، سفید است و
در بعضی از مثال‌ها، برگه‌های دوم و حتی سوم چاپ
شده، بدون آنکه ربطی به موضوع بحث داشته باشند.

در بخشی از مقدمه کتاب آمده است: «هرچند که
سازماندهی منابع آرشیوی در آرشیوهای معاونت صدا در
گذشته به صورت سنتی و دستی انجام می‌شده، لیکن از
اواخر دهه ۷۰، بهره‌گیری از اصول قواعد فهرست‌نویسی
در سازماندهی منابع آرشیوی آغاز گردید. فعالیت‌های
انجام شده در چند سال اخیر، تجربیات ارزشمندی
به‌بار آورده است.» این ادعا بسیار عجیب است.
نویسنده مقدمه، پیشینه بهره‌گیری از اصول و قواعد
فهرست‌نویسی در سازمان‌دهی منابع دیداری - شنیداری
در آرشیوهای صدای سازمان صدا و سیما را، به حدود
۱۰ سال کاهش داده است.^۲ در سازمانی که در سال

به‌منظور استفاده در تهیه فهرست‌های مورد نیاز
آرشیوهای شنیداری، به ویژه آرشیوهای معاونت صدای
جمهوری اسلامی ایران که در بردارنده منابع شنیداری
... می‌باشد، طرح‌ریزی شده است» و هدف از تهیه آن
نیز برآورده کردن نیاز آرشیوهای معاونت صدای سازمان
می‌باشد: «این دستنامه بر اساس نیاز آرشیوهای معاونت
صدا تهیه و تنظیم شده است.» با وجود این، همچنان
که در بخشی از مقدمه به آن اشاره شده، روشن است
که می‌توان از این کتاب در دیگر آرشیوهای شنیداری
نیز بهره گرفت.

هدف از تهیه «دستنامه»، تهیه مرجعی آماده از
فشرده مطالب موضوع مورد نظر (غالباً به صورت جدول،
نمودار و تصویر) است که بتوان مطالب مورد نیاز را به
سرعت در آن یافت. اما دستنامه به‌علت نداشتن نمایه
و فهرست مطالب دقیق چنین امکانی به خواننده ارائه
نمی‌دهد. به‌همین علت، خواننده باید با تورق بخش‌های
مختلف، نکته مورد نظر خود را در آن بیابد و این نقض
غرض آشکار است. «فهرست مطالب» چاپ شده در
ابتدای این دستنامه، صرفاً موارد زیر را شامل می‌شود:

مقدمه
ثبت و آماده‌سازی
منابع اطلاعات
فهرست‌نویسی توصیفی
انواع تحقیق
فهرست‌نویسی تحلیلی

در کتاب، بین توصیف ظاهری ماده‌ای آنالوگ همچون نوار ریل صدا با توصیف ماده‌ای دیجیتال همچون لوح فشرده (سی‌دی) صدا، تفاوتی بیان نشده است

مواردی در کتاب دیده می‌شود که نشان می‌دهد از منابع دیگری نیز برای تهیه آن استفاده شده که نامی از آن‌ها برده نشده است

بیشتر شناخته می‌شود و در فهرست برگه به آن شکل می‌آید.» (سلطانی، راستین، ۱۳۷۱، ص ۲۲۶) (از این منبع در چند جای دیگر نیز استفاده شده است) یا در صفحه ۷۷ آمده است: «این طرح بر اساس شماره ثبت توسط خانم فرانسوا لمی-روسو برای مواد غیرچاپی در سال ۱۹۷۶ مطرح شد که قابلیت کاربرد با رایانه را نیز داراست. در طرح ایشان هر شماره بازبای ماده غیرکتابی از سه جزء تشکیل شده است...» که جمله‌های برگرفته از صفحه ۸۷ کتاب «مدیریت آرشیوهای دیداری-شنیداری» آقای نورالله مرادی، البته با اندکی تغییر است. ضمن اینکه به علت تغییرات اعمال شده، اصطلاح «غیرکتابی» در متن اصلی به «غیرچاپی» تغییر یافته که نادرست است. این طرح برای منابع «غیرچاپی» که برای مثال نسخ خطی را نیز شامل می‌شود، تهیه نشده است. افزون بر این، به طور کلی طرح رده‌بندی روسو، جزئی از قواعد فهرست‌نویسی انگلو امریکن یا قواعد فهرست‌نویسی انجمن بین‌المللی آرشیوهای شنیداری و دیداری - شنیداری (یاسا) نیست که تهیه‌کننده یا تهیه‌کنندگان کتاب، بخش مربوط به این رده‌بندی را با استفاده از آن‌ها نوشته باشند.

در کتاب، بین توصیف ظاهری ماده‌ای آنالوگ همچون نوار ریل صدا با توصیف ماده‌ای دیجیتال همچون لوح فشرده (سی‌دی) صدا، تفاوتی بیان نشده است. درباره اطلاعات مهم در زمینه صدای دیجیتال (همچون میزان نمونه‌برداری، برای مثال ۴۸ کیلوهرتز و عمق نمونه‌برداری، برای مثال ۲۴ بیت) سکوت شده است. انتظار می‌رود این ویژگی‌های مهم در فهرست‌نویسی مد نظر قرار گیرند و در بخش توصیف ظاهری ماده (برای نمونه بر اساس بخش ۵.C. قواعد فهرست‌نویسی یاسا^۶) به قواعد این دستنامه افزوده شوند. همچنین به سطوح تفصیل در توصیف و در نظر گرفتن آن بر اساس نوع و مأموریت آرشیو شنیداری اشاره‌ای نشده است. حتی در معاونت صدای سازمان صدا و سیما نیز

در آن سرعنوان‌های موضوعی فارسی (هرچند ناقص) تهیه شده است^۳ (همزمان با تهیه سرعنوان‌های موضوعی فارسی کتابخانه ملی) باعث شگفتی است که ادعا شود، بهره‌گیری از اصول قواعد فهرست‌نویسی در آن از اواخر دهه ۷۰ صورت گرفته است. تاریخچه فهرست‌نویسی و رده‌بندی منابع شنیداری با رعایت اصول و قواعد استاندارد فهرست‌نویسی در ایران، به سال‌های آغازین دهه ۱۳۵۰ باز می‌گردد. نخستین بار، سرکار خانم پوری سلطانی، در مرکز خدمات کتابداری، مجموعه نوارهای «گل‌های تازه» را با به کار گرفتن قواعد انگلو امریکن فهرست‌نویسی کردند. در سال‌های میانی دهه، سازمان رادیو-تلویزیون ملی ایران با شرکت امریکایی ای دی ال^۴ قراردادی برای بازسازی آرشیوهایش امضا کرد. پس از انقلاب، با مطالعات اولیه و نیز بهره‌گیری از گزارش همین شرکت «طرح جدید آرشیوها» ارائه شد و در سال ۱۳۵۸، رسماً اجرای آن از جمله سازمان‌دهی منابع در آرشیوهای صدا، فیلم، ویدئو، عکس و اسلاید آغاز شد. اخلاق حرفه‌ای، به ویژه برای آرشیوداران که نگهبان آثار گذشتگان هستند، حکم می‌کند که سپاس‌گزار تلاش پیشینیان باشند و دست‌کم نام و کوشش آن‌ها را ارج نهند.

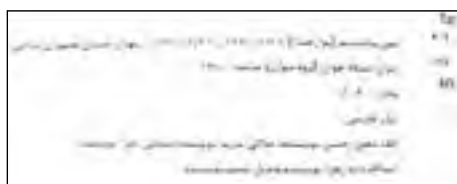
این دستنامه، فهرست منابع یا کتابنامه ندارد، البته در مقدمه آن اشاره شده است که: «قواعد حاضر بر اساس قواعد فهرست‌نویسی انگلو امریکن (ویرایش دوم) و قواعد فهرست‌نویسی انجمن بین‌المللی آرشیوهای شنیداری (یاسا^۵) می‌باشد...»^۶ اما مواردی در کتاب دیده می‌شود که نشان می‌دهد از منابع دیگری نیز برای تهیه آن استفاده شده که نامی از آن‌ها برده نشده است. برای نمونه در صفحه ۲۲، زیر بخش «عنوان قراردادی» بندی از دانشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی راستین رونویسی شده است: «عنوان مشخصی که به وسیله آن اثری که با عنوان‌های گوناگون و با تحریرهای متفاوت آمده،

قواعدی در کتاب وجود دارد که در مثال‌های ذکر شده رعایت نشده‌اند



به سطح متفاوتی از تفصیل در توصیف برای یک آرشیو خبر، نسبت به یک آرشیو موسیقی نیاز است؛ چه رسد به دیگر انواع آرشیو دیداری - شنیداری (نگاه کنید به قاعدهٔ D.0. از قواعد فهرست‌نویسی یاسا). انواع مختلف منابع آرشیو شنیداری نیز به سطوح توصیف متفاوتی نیاز دارند؛ برای نمونه، برای منابع حاوی صداهای «افکت» احتمالاً به توصیف چند سطحی^۹ نیاز است (نگاه کنید به قاعدهٔ ۹.۲. از قواعد فهرست‌نویسی یاسا)؛ کتاب در این باره نیز توضیح یا توصیه‌ای ارائه نمی‌کند.

شگفتی‌آور است. در این مثال، در حالی که ماده‌ایی که توصیف می‌شود متن است و کد روسوی «txt» مخفف «text» انگلیسی به آن اختصاص داده شده، نوع ماده «نوار صدا» نوشته شده است. افزون بر این، در حالی که در ناحیهٔ شرح مسئولیت، پدیدآورنده‌ای برای این اثر در برگه نوشته نشده است؛ در پایین برگه، چند شناسهٔ افزوده وجود دارد:



در موارد دیگری نیز قواعدی در کتاب وجود دارد که در مثال‌های ذکر شده رعایت نشده‌اند. برای نمونه، در صفحهٔ ۶۲ زیر عنوان مبهم «اندازه اثر (شامل وجه تسمیه مواد خاص)»، تعداد ماده در دست سازمان‌دهی و واحد شمارش آن توضیح داده شده و نمونه‌هایی ارائه

در صفحهٔ ۴۴ کتاب دربارهٔ «متون» مربوط به برنامه‌ها که همراه محمل‌های شنیداری به آرشیو تحویل داده می‌شوند، این قاعده ارائه شده است:

عنوان کامل: متن ... (عنوان متن)

اما در صفحهٔ بعد دربارهٔ نمایش‌ها نوشته شده است که «لفظ نمایش از ابتدای عنوان‌ها برداشته می‌شود» مشخص نیست این دوگانگی برای چیست. ضمن اینکه مثالی که در صفحهٔ ۴۵ برای «متون» آورده شده،

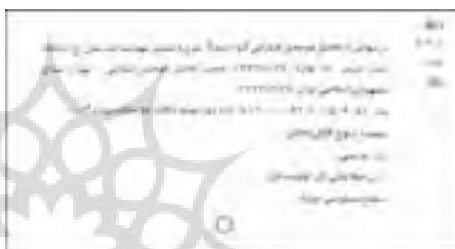
قواعد مربوط به محل شروع نوشته در هر خط و رعایت تورفتگی و بیرون آمدگی خطها رعایت نشده اند

توضیحات ارائه شده، عموماً برای نوارهای ریل صداست. معلوم نیست به چه علت در کتاب توضیحات لازم برای دیگر منابع شنیداری همچون صفحه‌های گرامافون، لوح‌های فشرده، و کاست‌ها ارائه نشده است

شده است که با قواعد فهرست‌نویسی یاسا همخوانی دارد:

۲ حلقه: "۲۵/۰۲، ۲۴۰۰ پا، دور ۷/۵، استریو.

اما توضیحات ارائه شده در این صفحه و صفحه بعد کتاب متناقض است و معلوم نیست چرا در هیچ یک از نمونه برگه‌های چاپ شده در کتاب، تعداد و واحد ماده نوشته نشده، بلکه به جای آن، موارد دیگری (مادر یا کپی) آورده شده است؛ برای نمونه، در مثال صفحه ۳۹ که ضمناً درباره عبارت «ملاحظات ب=۱*د=۱.» در انتهای بخش مشخصات ظاهری نیز توضیحی ارائه نشده است:



در صفحه ۶ «مراحل آماده‌سازی در آرشیو» صرفاً با این نوشته کوتاه توضیح داده شده است: «الصاق بر چسب، شماره نوار (به صورت انگلیسی، فارسی) در عطف نوار.» آیا نوار عطف دارد؟ آیا منظور عطف جعبه نوار است؟ آیا منظور عطف کاست است؟ در مورد لوح‌های فشرده (سی‌دی) چه باید کرد؟ اگر جلد لوح فشرده از نوع جعبه جواهری^{۱۰} یا از نوع جعبه جواهری باریک^{۱۱} یا از نوع صدفی^{۱۱} یا از نوع مقوایی بود، برچسب کجا باید چسبانده شود؟ اگر چند لوح فشرده در یک جلد بود^{۱۲} چه باید کرد؟ پاسخ این سؤال‌ها و سؤال‌های بسیار مشابه را نمی‌توان در کتاب یافت.

در کد روسوی بعضی از برگه‌ها، بخشی اضافه وجود دارد که باز هم توضیحی درباره آن ارائه نشده است. برای نمونه کد «عب» در مثال صفحه ۷۹:



علاوه بر مشکلات موجود در مثال‌های کتاب که

به صورت فشرده در تصویر ۱ آمده است، فهرستی از چند مورد دیگر از اشکالات کتاب در ادامه می‌آید:

- عنوان کتاب «دستنامه قواعد فهرست‌نویسی مواد شنیداری» است اما به آماده‌سازی، رده‌بندی، نمایه‌سازی و سیاست‌های نمایه‌سازی نیز پرداخته است، که به نظر می‌رسد نام «دستنامه قواعد سازمان‌دهی مواد شنیداری» برای آن مناسب‌تر باشد.

- قواعد مربوط به محل شروع نوشته در هر خط و رعایت تورفتگی و بیرون آمدگی خطها رعایت نشده‌اند. در همه مثال‌های کتاب، همه خطها زیر همدیگر و از یک فاصله نسبت به کنار برگه آغاز می‌شوند و این خوانایی نوشته‌های برگه‌ها را دشوار کرده است.

- توضیحات ارائه شده، عموماً برای نوارهای ریل صداست. معلوم نیست به چه علت در کتاب توضیحات لازم برای دیگر منابع شنیداری همچون صفحه‌های گرامافون، لوح‌های فشرده، و کاست‌ها ارائه نشده است. برای مثال در صفحه ۶۳ در بخش «اندازه» فقط طول نوارهای ریل ارائه شده است. به عنوان مثالی دیگر، به انواع گوناگون لوح‌های فشرده و لزوم مشخص کردن ویژگی‌های آن‌ها در ناحیه توصیف ظاهری (برای نمونه گنجایش لوح فشرده به مگابایت، نوع آن (سی‌دی‌آی، سی‌دی‌رام، ...))، میزان نمونه‌برداری صدا به کیلوهرتز، و عمق نمونه‌برداری به بیت) و نیز ساخت کدهای روسوی جدید برای آن‌ها توجهی نشده است.

- در بسیاری از برگه‌ها، بخش چکیده وجود ندارد در حالی که از عنوان منابع این‌گونه بر می‌آید که این برگه‌ها باید چکیده محتوای بازشنوی شده را داشته باشند (برای نمونه مثال دوم صفحه ۱۳، مثال دوم صفحه ۱۸، مثال دوم صفحه ۱۹، مثال دوم صفحه ۲۴، و ...).

- فهرست‌نویسی منابع دیداری - شنیداری بر اساس کاربرگه‌های ویژه پر شده پس از بازبینی یا بازشنوی این منابع صورت می‌گیرد. در صفحه ۶۲ کتاب توضیح داده شده است که: «اگر مدت زمان نه روی منبع مشخص بود و نه قابل اطمینان بود، یک زمان تخمینی ارائه دهید؛ در حالی که مدت زمان برنامه‌ای که بازشنوی شده باشد، اندازه‌گیری و در کاربرگه‌ها نوشته شده است و نیازی به این کار نیست. اصولاً چگونه می‌توان مدت زمان برنامه‌ای را که بازشنوی نشده است، از روی ماده مغناطیسی تخمین زد و اساساً

- در برخی از مثال‌ها برای ناحیه یادداشت، عنوان «یادداشت» در برخی دیگر «توضیح» و یا «توضیحات» نوشته شده است و در برخی دیگر ناحیه یادداشت، عنوانی ندارد. درباره ترتیب مواردی که در یادداشت می‌آیند نیز، توضیحی ارائه نشده است. همچنین در برخی برگه‌ها از اصطلاح «تراک» یا «ترک» و در بعضی دیگر از اصطلاح «باند» استفاده شده و یکدستی رعایت نشده است. ضمن اینکه به نظر می‌رسد بهتر بود به جای این اصطلاح‌ها، از اصطلاح «قطعه» استفاده می‌شد.

- در برخی از برگه‌ها، در بخش یادداشت عبارت‌هایی همچون «سطح دسترسی»، «قابل پخش»، یا «ارزش اطلاعات اثر» نوشته شده است، بدون آنکه توضیحی درباره آن‌ها ارائه شود.

- در همه کتاب، چه در متن اصلی و چه در برگه‌ها، به علت نامعلومی نام «سی دی» یا «لوح فشرده» به صورت انگلیسی نوشته شده است: «CD».

- در صفحه ۷۲ نوشته شده است: «برای منابع موسیقی حداقل ۸ و حداکثر ۱۲ توصیفگر انتخاب کنید.» اما در مثال ارائه شده در صفحه بعد همین نوشته که از منابع موسیقی است، تنها ۵ توصیفگر اختصاص داده شده است. مثال‌های دیگری نیز در این زمینه در کتاب وجود دارد؛ برای نمونه، مثال دوم صفحه ۷۸ که تنها ۴ اصطلاح برای آن گزیده شده است. در مورد منابع سخن و متون رادیویی نیز حداقل ۵ و حداکثر ۸ توصیفگر توصیه شده است، اما در دو مثال صفحه‌های ۴۶ و ۴۷ تنها ۲ توصیفگر به منابع اختصاص یافته است.

- باوجود این ادعا در مقدمه کتاب که همه منابع در آرشیوهای معاونت صدای سازمان صدا و سیما نمایه‌سازی می‌شوند؛ در برخی از برگه‌ها، توصیفگرهای انتخاب شده چاپ شده‌اند، اما در برخی دیگر چاپ نشده‌اند (برای نمونه، در برگه دوم صفحه ۲۴). به طور کلی توضیح داده نشده است که چرا این توصیفگرها در برگه فهرست‌نویسی چاپ شده‌اند و آیا این توصیفگرها همچون شناسه‌های افزوده تلقی می‌شوند و برای آن‌ها نیز برگه‌های جداگانه چاپ می‌شود یا خیر.

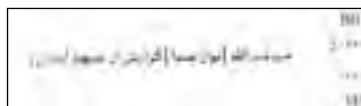
- در پانوشته صفحه ۷۱ نوشته شده است: «نمونه کاربرگ‌های کارشناسی موسیقی منابع موسیقی در پیوست آمده است.» اما کتاب پیوستی ندارد؛ ظاهراً منظور دو جدولی که سه صفحه بعد چاپ شده است.



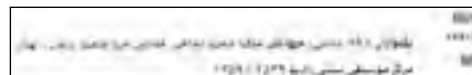
چرا باید این کار را کرد و این تخمین زدن غیردقیق به چه درد خواهد خورد؟

- در غالب آرشیوهای دیداری - شنیداری سازمان صدا و سیما، برای نوشتن اسامی در ناحیه شرح مسئولیت در برگه فهرست‌نویسی، ترتیبی را برای نوشتن نقش یا حرفه پدیدآور در نظر می‌گیرند؛ بهتر بود در این کتاب هم ترتیبی برای آوردن نام این افراد ارائه می‌شد.

- در صفحه ۵۱ درباره نوشتن نوع ماده در ناحیه عنوان آمده است: «سایر اطلاعات مربوط به عنوان (عنوان فرعی)، را بعد از وجه تسمیه عام (نوع ماده) و به دنبال علامت دو نقطه (:) می‌آوریم.» اما در مثال پایین همین مطلب، اصلاً دو نقطه‌ای وجود ندارد:



- در صفحه ۵۸ کتاب درباره تاریخ نشر به اشتباه نوشته شده که آن را «بعد از یک فاصله و ویرگول بنویسید.» که «بعد از یک ویرگول و فاصله» درست است و باز هم در مثالی که پس از این نوشته ارائه شده، اصلاً ویرگولی وجود ندارد:



در برخی از برگه‌ها،
در بخش یادداشت
عبارت‌هایی همچون
«سطح دسترسی»،
«قابل پخش»، یا «ارزش
اطلاعات اثر» نوشته شده
است، بدون آنکه توضیحی
درباره آن‌ها ارائه شود

<p>۱۹۲۱ء میں برطانیہ نے پاکستان کو دو صوبوں میں تقسیم کیا۔</p> <p>۱۹۴۷ء میں پاکستان کو دو صوبوں میں تقسیم کیا گیا۔</p> <p>۱۹۷۱ء میں پاکستان کو دو صوبوں میں تقسیم کیا گیا۔</p>	<p>۱۹۲۱ء</p> <p>۱۹۴۷ء</p> <p>۱۹۷۱ء</p>	<p>پاکستان کی تاریخ</p>	<p>۱۹۲۱ء میں برطانیہ نے پاکستان کو دو صوبوں میں تقسیم کیا۔</p> <p>۱۹۴۷ء میں پاکستان کو دو صوبوں میں تقسیم کیا گیا۔</p> <p>۱۹۷۱ء میں پاکستان کو دو صوبوں میں تقسیم کیا گیا۔</p>	<p>۱۹۲۱ء</p> <p>۱۹۴۷ء</p> <p>۱۹۷۱ء</p>
<p>۱۹۷۱ء میں پاکستان کو دو صوبوں میں تقسیم کیا گیا۔</p> <p>۱۹۷۱ء میں پاکستان کو دو صوبوں میں تقسیم کیا گیا۔</p>	<p>۱۹۷۱ء</p> <p>۱۹۷۱ء</p>	<p>پاکستان کی تاریخ</p>	<p>۱۹۷۱ء میں پاکستان کو دو صوبوں میں تقسیم کیا گیا۔</p> <p>۱۹۷۱ء میں پاکستان کو دو صوبوں میں تقسیم کیا گیا۔</p>	<p>۱۹۷۱ء</p> <p>۱۹۷۱ء</p>
<p>۱۹۷۱ء میں پاکستان کو دو صوبوں میں تقسیم کیا گیا۔</p> <p>۱۹۷۱ء میں پاکستان کو دو صوبوں میں تقسیم کیا گیا۔</p>	<p>۱۹۷۱ء</p> <p>۱۹۷۱ء</p>	<p>پاکستان کی تاریخ</p>	<p>۱۹۷۱ء میں پاکستان کو دو صوبوں میں تقسیم کیا گیا۔</p> <p>۱۹۷۱ء میں پاکستان کو دو صوبوں میں تقسیم کیا گیا۔</p>	<p>۱۹۷۱ء</p> <p>۱۹۷۱ء</p>
<p>۱۹۷۱ء میں پاکستان کو دو صوبوں میں تقسیم کیا گیا۔</p> <p>۱۹۷۱ء میں پاکستان کو دو صوبوں میں تقسیم کیا گیا۔</p>	<p>۱۹۷۱ء</p> <p>۱۹۷۱ء</p>	<p>پاکستان کی تاریخ</p>	<p>۱۹۷۱ء میں پاکستان کو دو صوبوں میں تقسیم کیا گیا۔</p> <p>۱۹۷۱ء میں پاکستان کو دو صوبوں میں تقسیم کیا گیا۔</p>	<p>۱۹۷۱ء</p> <p>۱۹۷۱ء</p>
<p>۱۹۷۱ء میں پاکستان کو دو صوبوں میں تقسیم کیا گیا۔</p> <p>۱۹۷۱ء میں پاکستان کو دو صوبوں میں تقسیم کیا گیا۔</p>	<p>۱۹۷۱ء</p> <p>۱۹۷۱ء</p>	<p>پاکستان کی تاریخ</p>	<p>۱۹۷۱ء میں پاکستان کو دو صوبوں میں تقسیم کیا گیا۔</p> <p>۱۹۷۱ء میں پاکستان کو دو صوبوں میں تقسیم کیا گیا۔</p>	<p>۱۹۷۱ء</p> <p>۱۹۷۱ء</p>
<p>۱۹۷۱ء میں پاکستان کو دو صوبوں میں تقسیم کیا گیا۔</p> <p>۱۹۷۱ء میں پاکستان کو دو صوبوں میں تقسیم کیا گیا۔</p>	<p>۱۹۷۱ء</p> <p>۱۹۷۱ء</p>	<p>پاکستان کی تاریخ</p>	<p>۱۹۷۱ء میں پاکستان کو دو صوبوں میں تقسیم کیا گیا۔</p> <p>۱۹۷۱ء میں پاکستان کو دو صوبوں میں تقسیم کیا گیا۔</p>	<p>۱۹۷۱ء</p> <p>۱۹۷۱ء</p>

کتاب ماہ
اطلاعات، ارتباطات و دانش شناسی

- در بعضی موارد، تصویرها و مثال‌ها پس و پیش هستند و مشخص نیست تصویر مربوط به کدام مطلب است.

- جدول صفحه ۱۰ به‌گونه‌ای طراحی شده که نوشته‌های ردیف نخست آن وارونه است.

- خوب بود سری کامل برگه‌های یک منبع چاپ می‌شد.

یکی از نکات مثبت این کتاب آن است که آرشیوهای دیداری - شنیداری نهادها یا سازمان‌های دیگر، از نکته‌ها و مثال‌های ارائه‌شده در تعیین قواعد مناسب برای خود، الگوبرداری کنند. گرچه این کتاب، دستنامه است و در قطع جیبی و صفحات اندک چاپ شده (۸۳ صفحه)، از آنجایی که در صفحه شناسنامه کتاب، به «شماره پژوهش» اشاره شده است و یکی از تهیه‌کنندگان کتاب، «دفتر پژوهش‌های رادیو» است؛ انتظار می‌رفت با متنی دقیق و کم اشتباه روبرو باشیم. اما تعداد اشتباهات و غلط‌های کتاب، زیاد است و بهره‌گیری از آن به‌شکل کنونی در آرشیوهای خود سازمان صدا و سیما نیز منطقی به‌نظر نمی‌رسد. از کیفیت کتاب حاضر می‌توان دریافت که شرایط کاری این آرشیوها در راستای بهره‌گیری درست، پرورش و فراهم آوردن فضای لازم برای بهره‌گیری کامل از توانایی‌ها در تهیه آثار پرمایه نبوده است و این نکته بسیار تأسف‌آور است.

پی‌نوشت‌ها:

1. tehranipoor@gmail.com

۲. این نکته در مقدمه کتاب، به‌ویژه از آن جهت برای نگارنده اهمیت بیشتری یافت که چندی پیش آقای شهرام بلوریان، مدیر کل آرشیوها و کتابخانه‌های سازمان صدا و سیما، در مصاحبه با روزنامه جام جم به تاریخ ۷ اسفند ۱۳۸۶، ادعای مشابهی را طرح کردند که گویی، کارهای اصولی در آرشیوهای این سازمان، پس از انتصاب ایشان به این سمت صورت گرفته است: "در صدا و سیما از سال ۱۳۲۰ آرشیو صدا به‌وجود آمد و آرشیو تصویر هم از سال‌های ۴۶، ۴۷ ایجاد شد؛ البته روی این آرشیو همیشه کار انجام نشده، اما

از ۱۰ سال قبل به این طرف‌تر درست کردن آرشیو هدفمندتر شده است.» در حالی که غالب کارکنان آرشیوهای دیداری شنیداری سازمان صدا و سیما و به‌ویژه قدیمی‌ترها، به خوبی آگاهند که روند کنونی کارها در این آرشیوها، و به‌ویژه سازمان‌دهی منابع در ۱۰ سال گذشته، ادامه و بهره‌گیری از ثمره تلاش‌های علمی پیش‌کسوتانی است که از چند دهه پیش، کار در این راستا را آغاز کردند و توانستند با جرح و تعدیل و بومی کردن اصول و استانداردهای بین‌المللی، از جمله اصول فهرست‌نویسی و رده‌بندی رایج، مبنایی استوار برای سامان‌دهی این منابع فراهم کنند.

۳. «سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران نیز در سال ۱۳۶۳ یک سرعنوان موضوعی فارسی برای استفاده آرشیویست‌های آن سازمان در ۱۷۴ صفحه منتشر کرده است.» بنگرید به: نورالله مرادی، ۱۳۸۴، مدیریت آرشیوهای دیداری-شنیداری، ویرایش ۲ (تهران: نشر کتابدار): ص. ۸۴.

4.ADL

5.IASA.

۶. چندین سال است که نام کامل یاسا از «انجمن بین‌المللی آرشیوهای شنیداری» (International Association of Sound Archives) به «انجمن بین‌المللی آرشیوهای شنیداری و دیداری - شنیداری» (International Association of Sound and Audiovisual Archives) تغییر داده شده است. البته کوته‌نیت انگلیسی آن همچنان «IASA» است.

۷. همه ارجاع‌ها به قواعد فهرست‌نویسی انجمن بین‌المللی

آرشیوهای شنیداری و دیداری - شنیداری در این متن به این منبع اشاره دارد:

International Association of Sound and Audiovisual Archives (1999). IASA Cataloguing Rules.

International Association of Sound and Audiovisual Archives (IASA). [online]. Available: <http://www.iasa-web.org/pages/Default.htm>

8. multilevel description

9. jewel case

10. slim line jewel case

11. clamshell case.

12. multi-disc cases

یکی از نکات مثبت
این کتاب آن است
که آرشیوهای دیداری
- شنیداری نهادها یا
سازمان‌های دیگر،
از نکته‌ها و مثال‌های
ارائه‌شده در کتاب
می‌توانند در تعیین
قواعد مناسب برای خود،
الگوبرداری کنند